

## رقابت‌های سیاسی و چگونگی طرح کلیت ملت واحد در کشور مناسبات خارجی دولت‌ها و نحوه وابستگی بقدرت‌های بزرگ دولت‌ها بمثابة بازیگران اصلی در مجموع نظام بین‌الملل

اعتماد سازی بر چه مبنای و بنیادی باید پایه گذاری شود؟  
صفحه برگشت و خط و نشان کشیدن‌ها آشکارتر شد  
تلاش‌های تب‌آلود بمنظور هدایت بقیه بازی  
چگونگی تفسیر جنگ و نحوه تعریف صلح

رقابت بگونه کلی بمثابة مسابقه بین دو یا چند ارگانیزم، حیوان، فرد، گروه اقتصادی یا گروه‌های اجتماعی و... بمنظور دستیابی به قلمرو، جایگاه، منابع، محصول، جفت، حیثیت، شهرت، جوایز، جایگاه اجتماعی، رهبری و سود تعریف گردیده است. رقابت زمانی رخ میدهد که حداقل دوطرف در تلاش برای رسیدن به هدفی باشند که نمیتواند با اشتراک گذاشته شود. جایی که عده‌ای بدست می‌آورند و دیگران میبازند. رقابت بگونه طبیعی بین موجودات زنده که در محیط مشترک همزیستی دارند، رخ می‌دهد. بگونه نمونه، حیوانات برای منابع آب، غذا، جفت و دیگر منابع بیولوژیکی رقابت میکنند. انسان بگونه معمول، بمنظور دستیابی بمواد غذایی و جفت رقابت مینماید، هرچند زمانی کاین نیازها برآورده میگردد، رقابت‌های عمیقتری، اغلب بمنظور دستیابی بثروت، قدرت، حیثیت و شهرت مطرح میگرددند. رقابت اغلب متضاد همکاری در نظر گرفته میشود. با اینحال، در دنیای واقعی مخلوطی از همکاری در نظر گرفته میشود. با اینحال، در دنیای واقعی مخلوطی از همکاری و رقابت هنجار است. ستراتیژیهای بهینه بمنظور رسیدن با اهداف مورد نظر، در شاخه‌ای از ریاضیات بمثابة نظریه بازی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. رقابت همچنین بمثابة یک اصل مهم در اقتصاد بازار و کسب و کار می‌باشد کماغلبین با رقابت کسب و کار در ارتباط می‌باشد.

با در نظر داشت فاکت‌ها و بررسی حقایق موجود، برخی از ادعاهایی مبنی برین امر مطرح می‌گردد که گویا کشور عزیز ما افغانستان بمثابة مهم‌ترین کانون دسته‌بندی‌های تروریستی در جهان مبدل گردیده است، همچنان در این زمینه تذکراتی بعمل آمده که گروه‌های یادشده از موقعیت‌های قومی نیرومندی در کشور برخوردار بوده و بدنبال گسترش ساحت تأثیرگذاری و بیس و توسعه نفوذشان بخارج از مرزهای کشور ما می‌باشند. در این مورد قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که شاخه افغانی "داعش" (داعش خراسان) در امتداد سال ۱۳۹۲ خورشیدی در ولایت‌های شرقی کشور که در اول امر، عمدتاً متشکل از جنگجویان خارجی بود، پا بعرضه وجود گذاشت. گروه یادشده در امتداد سال ۱۳۹۳ خورشیدی با آغاز تحرکاتی، بگونه مجدد باکمال صفوف جنگجویانش مبادرت ورزیده که بابر خورداری از امکانات مادی آنهم بگونه گسترده، استقلال در عمل و انجام اقدامات رعب‌آورو مملو از شقاوت و بیرحمی در قبال مخالفان، از دیگران متمایز می‌گردید. پس از مدتی گروه نامبرده در نتیجه درگیری‌هایی با نیروهای دولتی و نیروهای ویژه آمریکایی در امتداد سال‌های ۱۳۹۶ - ۱۳۹۸ خورشیدی، متحمل تلفاتی گردید. نهایت گمراه کننده بنظر میرسد اگر چنین تصور گردد که "القاعده" در مقایسه با "داعش خراسان"، در اراضی و قلمرو متعلق بکشور ما بگونه نامرئی بنظر می‌رسد. علیرغم خسارات و تلفات وارد شده، "القاعده"، موقعیت قبلی‌اش را همچنان حفظ نموده و در صدد دستیابی جایی پایی در کشور ما می‌باشد. گروه یادشده تحت حمایت سیاسی "طالب"‌ها قرار گرفته و رهبری آن نیز در مناطق مرزی کشور ما با پاکستان از پناهگاه‌های امنی برخوردار بوده و با خاطر راحت با اجرای برنامه‌های خرابکارانه، انفجار و انتحار و قتل شهروندان ملکی در کشور ما مبادرت ورزیده و بویژه زیان‌های بیشماری را ببار آورده‌اند. بخاطر ما باشد که تعداد شبه نظامیان "القاعده" در کشور ما در حدود ۴۰۰ - ۶۰۰ تن تخمین می‌گردد که عمدتاً

در برگرفته مریبان و مشاوران واحدهای "طالب" ها نیز می باشند. "طالب" ها و "القاعده" از نقطه نظر نظامی چنان باهم ادغام شده بودند که در درگیریهای مسلحانه بین الافغانی بگونه مشترک و درکنار هم عمل مینمودند. "القاعده" همچنان، فعالیت های گسترده تبلیغاتی را سازماندهی و اجرا می نماید. رهایی سرزمین های اشغال شده مسلمانان و ایجاد و برپایی "خلافت اسلامی" را ترویج نموده و خواهان رعایت و اجرای بی چون و چرای اصول و ضوابط "شریعت" می باشند. از اهداف کلیدی "القاعده"، یکی هم پخش و گسترش "جهاد" در تمامی مناطق و محلات کلیدی جهان از جمله بگونه ویژه ایی در آسیای مرکزی بوده و با تعدادی از گروههای فعالی که عملکردهای آنها در این منطقه متمرکز می باشد، روابط و مناسبات نزدیکی ایجاد نموده است. اما بهیچوجه نباید فراموش نمود که درکنار سایر مسایل گفته آمده و مطالب متذکره، مناطق جنوب آسیا، خاورمیانه، ایالات متحده و اروپا بمتاباه اولویت های "القاعده" محسوب می گردد.

تاجایی که می توان پیشبینی نمود، "القاعده" درصدد تقویت گروههای تروریستی در فدراسیون روسیه نیز می باشد. همچنان می توان چنین فرض نمود که در آینده های نزدیک، "القاعده" رویکرد انتظاری را پیشه نموده و بمنظور بازگرداندن نظم و تدارک اقدامات بین المللی، قبل از همه بر کمک ها و یاری "طالب" ها در داخل قلمرو مربوط به کشور عزیز ما حساب باز خواهد نمود. "طالب" ها، امکان حضور و موجودیت گروهها و دسته بندی های موجود در آسیای مرکزی و جنوبی را در قلمرو تحت اداره شان مساعد و فراهم نمودند.

برخی از گروهها و دسته بندی های پاکستانی از قبیل "جیش محمد" و "لشکر طیبه" در عین حال که با استخبارات پاکستان رابطه داشته و از پیوندهایی با آنها نیز برخوردار می باشند، نوع ارتباط و نحوه نگرش شان را با "طالب" ها، "القاعده" و "داعش خراسان" و همچنان با گروههای کلیدی موجود در آسیای مرکزی در برگرفته "جنبش اسلامی ازبکستان" که شامل بسیاری ازبک ها و برخی از گروههای قومی آسیای مرکزی و روسیه نیز می گردد، بیش از پیش تقویه نموده و نحوه مناسبات شان را مانند گذشته حفظ نموده اند.

"کتابیات الامام البخاری" که بومیان این کشورستون فقرات آن را تشکیل می دهند، در برگرفته ازبکستان و جنوب قرغیزستان می گردد. همچنان "جماعت انصارالله" که بگونه منحصر بفردی متشکل از تاجیک ها می باشد. گروههای یاد شده، از تجربه فعالیتهای زیرزمینی، بویژه در قلمرو پسا شوروی و همچنین از تجربیات گسترده نظامی در درگیری های منطقوی برخوردار می باشند.

"طالب" ها همچنان به "جنبش اسلامی ترکستان شرقی" که مسایل مربوط بایغورها از اولویت های آنرا تشکیل می دهد، نیز پناه داده اند. در امتداد سال های پسین، گروههایی پس از تغییر رژیم، بویژه بدلائل نبود اطمینان داخلی و بین المللی، به تثبیت و تحکیم بیش از پیش موقعیت شان در بدخشان همت گماشته و درصدد تبدیل منطقه یاد شده بمتاباه تخته خیزی بمنظور انجام عملیات های مورد نظرمی باشند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که گروههای موجود در آسیای جنوبی و آسیای مرکزی و ایغورها، بگونه همه جانبه ای در ساختارهای نظامی "طالب" ها ادغام نشده بودند، اما بگونه ای با اقداماتی متوسل می گردیدند که گویی "زیر چتر" طالبها قرار داشته و مسایل و موضوعات مهم را باید باهم هماهنگ مینمودند. آنها همچنان با "القاعده" و "داعش خراسان"، از روابط مستقلی برخوردار بودند، گروههای یاد شده، برخلاف ادعاهای "طالب" ها با عوامل تروریزم بین المللی همکاری نزدیک داشته و چگونگی عملکردهای آنها علیرغم اظهارات طرح شده از جانب آنها مبنی بر عدم قصد و نیت تداوم "جهاد" در خارج از محدوده کشور ما، ممنوعیت استفاده از سرزمین و اراضی متعلق بافغانستان بمنظور انجام اقدامات تروریستی و تهاجمی برخلاف کشور های همجوارد در تناقض پنداشته می شود. اما "طالب" ها در تماس های مکرر با نماینده های روسیه، چین و ایران بگونه غیر علنی اظهارات مشابهی نمودند. از تعهدات اینچنینی در توافقنامه سال ۱۳۹۸ خورشیدی دوحه به ایالات متحده نیز یادآوری بعمل آمده است. نظر غالب در سطح منطقه بمفهوم محدود کلمه و بسویه جهانی بمفهوم وسیع تر آن اینست که "طالب" ها بمنظور حل و فصل معضل یاد شده باید بانجام اقداماتی متوسل گردند.

در امتداد ماهای پسین سال ۱۴۰۰ خورشیدی، گزارش گونه هایی مبنی بر اقدامات "طالب" ها بهدف ادغام جنگجویان خارجی (ظاهرن گروههای آسیای مرکزی) در صفوف قوت های مسلح در حال ظهور "امارت اسلامی افغانستان" در کشور بنشور رسید. علاوه بر آن، "طالب" ها بخارجی ها چنین القا نموده و اطمینان می دهند کآنها جنگجویان خارجی را بگونه انفرادی در واحدهای جداگانه نظامی کشورتوظیف خواهند نمود. سیاست اینچنینی "طالب" ها ممکن است برای کاهش تهدیدهای تروریستی از سرزمین و اراضی افغانستان، کاملن قابل قبول پنداشته شود، اما در مورد چگونگی مؤثریت این سیاست "طالب" ها، عدم اطمینان و شک و شبهه هایی موجود می باشد. در عین حال، این

مسأله نیز مشخص نمی باشد کآنها تا چه اندازه و بر بنیاد چه معیارهایی قادرند جنگجویان خارجی را متقاعد نمایند تا برنامه های "جهاد" شان در خارج از قلمرو کشورما را رهأ نموده و بیش از پیش در داخل قلمرو افغانستان مستقر گردند. بگمان اغلب کاینمورد اقدامات اجباری بمفهوم وسیع کلمه کنار گذاشته شده است. اما علیرغم اختلاف نظر های موجود، اعضای گروه های یادشده بمثابه برادران ایمانی، برادران مسلح و بمثابه مهمان های "طالب" ها پنداشته می شوند.

در کنار سایر واقعیت های موجود، اکنون بسیار بعید بنظرمی رسد که "طالب" ها پیشنهادات شان را بمنظور ترک "جهاد" بر بنیاد انگیزه های مادی و تشویقی با خارجی ها مطرح نمایند، چه در اینمورد دورنمای ایجاد و پایه گذاری مجدد واحدهای منحل شده خارجی را نمی توان مورد تردید قرار داد.

دسته بندی های جهادی تحرکات لازمی را بمنظور تداوم مبارزه انجام داده و آماده اقدامات عملی می گردند. نشانه هایی موجود می باشد که "داعش خراسان" و "القاعده" بمنظور جمعآوری جهادی های خارجی و تشکل آنها تحت لوای واحد و همچنان در صدد تهیه سلاح و مهمات از جمع سلاح ها و مهمات بجا گذاشته شده نظامیان امریکایی در کشورما میباشند. بنابراین، پرسش کلیدی برای آینده نزدیک این خواهد بود که "طالب" ها با این جهادگران خارجی چه نوع رابطه ای را سازماندهی و اجرا خواهند نمود؟

نباید فراموش خاطرما شود که "طالب" ها و "القاعده" با هم از همکاری و همیاری های نزدیکی برخوردار می باشند. در امتداد زمانی درگیری های مسلحانه در سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیزما، نماینده های آنها بمنظور طرح و تدوین برنامه های عملیاتی با هم دیدارها و ملاقات هایی را سازماندهی نمودند. بخاطر ما باشد که در امتداد زمانی مذاکرات ایالات متحده با "طالب" ها، تماس ها بگونه کلی کاهش حاصل نمود. گمان می رود که "القاعده" از "طالب" ها در رابطه با صحت روابط و مناسبات تاریخی آنها تضمین هایی دریافت نموده است. در نتیجه، رهبران "القاعده" با آرامش و راحتی توافق دوحه را پذیرفتند.

اما تعامل های ساختاری رهبری "القاعده" و "طالب" ها بگونه سنتی، عمدتن توسط نماینده های برجسته گروه حقانی انجام می پذیرد. با این وجود، گروه های دیگر "طالب" ها نیز از "القاعده" حمایت بعمل می آوردند، چه برای "طالب" ها، تقریبین اتخاذ مواضع تندی در قبال این سازمان غیرممکن بنظر می رسد. اما نباید فراموش خاطرما شود که مناسبات "طالب" ها با "داعش خراسان" بسیار پرتنش می باشد.

ظهور و زایش "داعش" در امتداد سال ۱۳۹۳ خورشیدی در کشورهای عراق و سوریه، بر اصل ایجاد و پایه گذاری "خلافت اسلامی" آنها در محدوده های جغرافیایی خاصی و یا حتا فراتر از آن، در مجموع جنبش بین المللی جهادی بشدت هرچه تمامتر مهم تلقی می گردید. هنگامی که در امتداد سال یادشده، بویژه پس از کاهش نظامیان خارجی در کشورما، "طالب" ها بوضوح بعقب راندن قوت های دولتی آغاز نمودند، دولت برهبری اشرف غنی سعی بعمل آورد تا از اصل تهدید "داعش" بمنظور دستیابی بیشتر بحمایت های بین المللی استفاده نماید. اما بگونه معکوس، نشانه های غیرمستقیمی دال بر تلاش سرویس های اطلاعاتی دولت بمنظور بهبود روابط با "داعش" و استفاده ابزاری از آنها بمثابه حفظ موازنه در قبال "طالب" ها بمشاهده رسید.

با وجود اینهمه، تلاش هایی بمنظور بهبود روابط و مناسبات میان "طالب" ها و "داعش" صورت گرفت. در سال ۱۳۹۲ خورشیدی سندی تحت عنوان "نامه ای از طالب ها به داعش" بنشر رسید که در آن از مؤفقتیت های "داعش" در عراق و سوریه قدردانی بعمل آمده و پیشنهاد گردیده بود تا دشمنی و خصومت با مسلمانان را ترک نموده و در امر مبارزه با کفار متحد شوند. اگر صحت پیام یادشده تایید گردد، پس در وضعیت اینچنینی، "داعش" در اندکترین مدت زمان در سرزمین و اراضی کشورما مستقر شده و اما بعدن بگونه ایی وارد اختلاف نظر با "طالب" ها گردید. در امتداد سال ۱۳۹۵ خورشیدی، گروه "لشکر طیبیه" که با احتمال اغلب بر بنیاد دستورالعمل های متولیان پاکستانی خویش عمل می نمود، تلاش بعمل آورد با تماس هایی میان "طالب" ها و "داعش خراسان" میانجیگری نموده تا آنها را با نیروهایش در امر نبرد علیه رژیم طرفدار ایالات متحده، ملحق نماید، اما در اینمورد با عدم مؤفقتیت مواجه گردید.

تا زمان معاوضه قدرت در کابل در امتداد ماه اسد سال ۱۳۹۹ خورشیدی، "طالب" ها و "داعش خراسان" در تقابل و رویارویی قرار داشتند. آنها نه تنها با نظامیان امریکایی و رژیم طرفدار آنها در کابل جنگیدند، بلکه به شمشر کشیدن هایی در قبال یکدیگر نیز متوسل گردیدند. بنابراین کاملن منطقی بنظرمی رسد اگر ادعا گردد که "طالب" ها با اسرای بلند پایه "داعش" که در زندان ها بودند، قاطعانه برخورد نموده و همزمان با آن، اعضای "القاعده" و سایر گروه ها

را از حبس وزندان ها رها نمودند.

با اینحال، هنوز هم نمی توان بصراحت گفت که "طالب" ها می توانند و مایل بانجام اقدامات قاطع و فیصله کن بمنظور از بین بردن کامل "داعش خراسان" در کشور باشند. ممکن آنها میان خودشان نیز بجنگند، این در شرایط و وضعیت جنگ و جهاد امر طبیعی محسوب می گردد. اما در عین حال برخی از شبه نظامیان افغان و خارجی می توانند بیرق های "داعش خراسان" را بر بنیاد شرایط موجود، فرود آورند. بنابراین، ناپودی فزیکي گل ترکیب "داعش خراسان" توسط "طالب" ها بعید بنظر می رسد. در وضعیت اینچنینی، "طالب" ها تلاش خواهند نمود تا اکثریت شبه نظامیان "داعش خراسان" را وادار و ناگزیر به شناخت قدرت خویش نموده و یا بازور و جبریا رهبری ناسازگار برخورد خواهند نمود.

در مورد روابط "طالب" ها با "طالب های پاکستان" بایست متذکر گردید که آنها با گروه اخیر الذکر همکاری نموده و اما در عین حال با آنهایی که بانبروهای امنیتی پاکستان می جنگیدند نیز کمک می نمودند. اما اسلام آباد انتظار داشت که "طالب" ها در این مورد باتخاذ موضع ثابت تری که بنفع پاکستان باشد، مبادرت می ورزیدند. با اینحال، توافق آتش بس مؤقت میان "تحریک طالب های پاکستان" و دولت آنکشور، با میانجیگری سراج الدین حقانی بمفهوم قطع رابطه "طالب های افغان" و "تحریک طالب های پاکستان" و یا تسلیم جنگجویان تحریک طالب های پاکستان و یا بمثابه تسلیم جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" به مقامات پاکستانی تلقی نمی گردد؟ چنین بنظر می رسد که "طالب" ها در امر کاهش فشارها بر پاکستان کمک نموده و اما قادر بحل و فصل معضل در اینمو رد نگردیدند. کارشناسان پاکستانی با ابراز نظریات شان مدعی اند که سیر حوادث کنونی می تواند در صورت لزوم، بابزاری برای حاکمیت "طالب" ها بمنظور اعمال فشار بر اسلام آباد و نیز بمثابه عنصری بمنظور چانه زنی در مذاکرات و گفتگوها در موارد دیگر مبدل گردد.

یکشنبه ۱۷ ماه جدی سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۷ ماه جنوری سال ۲۰۲۴ ترسایی